

واژه‌بست در زبان شعر

فروغ کاظمی^۱

چکیده

واژه‌بست‌ها عناصری زبانی‌اند که رفتاری دوگانه دارند. به لحاظ ساختار شبیه وند هستند. اما دارای نقش نحوی‌اند. به بیانی دیگر، در ساخت واژه فاقد نقش و در ساخت‌های بزرگ‌تر از واژه واجد نقش‌اند. این واحدهای زبانی خاص که امروزه مطالعات زیادی را به خود اختصاص داده است، در بیشتر زبان‌های دنیا می‌توان یافت. مقاله پیش رو، مطالعه‌ای است پیکره بنیاد که واژه‌بست را در زبان شعر بررسی و کارکرد آن را در اشعار پروین اعتصامی نشان می‌دهد. داده‌های پژوهش از گونه‌های شعری متفاوت شاعر یادشده انتخاب و بر اساس دیدگاه زوئیکی (۱۹۷۷) شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که برخی از انواع واژه‌بست در گونه‌های شعری کاربرد ندارد و دلایل این امر را می‌توان از یک سو به تفاوت زبان شعر با زبان گفتاری و محاوره‌ای نسبت داد و از دیگر سو، به ویژگی‌های شعری شاعر، مرتبط دانست.

واژه‌های کلیدی: واژه‌بست، واژه‌بست‌های فارسی، شعر، پروین اعتصامی.

۱- مقدمه

زبان‌شناسی به نام واکرناگل^۲ در مطالعه تاریخی زبان‌ها دریافت عناصری خاص در زبان‌های هند و اروپایی و مشخصاً هند و ایرانی وجود دارند که جالب توجه‌اند. او این عناصر را واژه‌بست^۳ نامید. واکرناگل مطالعه خود را در زبان سربوکرات^۴ که دارای آرایش سازه‌ای آزاد بود، انجام می‌داد. او جایگاه دوم بند را جایگاه واکرناگل نامید. در قرن نوزده میلادی که جزئیات بیشتری در مورد زبان‌های هند و اروپایی به دست آمد، جایگاه دوم واژه‌بست‌ها قانون «واکرناگل» نامیده شد. پس از زبان سربوکرات که زبانی اسلاویک بود، واژه‌بست در زبان‌های استرالیایی هم مشاهده و بررسی گردید (اسپنسر^۵، ۱۹۹۱: ۳۵۵). اکنون مطالعه واژه‌بست‌ها حوزه مهمی از زبان‌شناسی را در برمی‌گیرد تا آنجا که تقریباً در همه زبان‌های دنیا می‌توان عناصری را یافت که واژه‌بست تلقی می‌شوند. واقعیت آن است که واژه‌بست‌ها ویژگی خاصی از واژه‌ها را دارند. اما مانند واژه مستقل به تنهایی دیده نمی‌شوند. واژه‌بست‌ها وند نیستند چون در

^۱ - دانشیار زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی f.kazemi86@yahoo.com

^۲ - Wackernagel

^۳ - clitics

^۴ - Serbo-Croat

^۵ - Spencer, A.

واژه‌سازی شرکت نمی‌کنند و نقشی ندارند. فقط همانند وندها به واژه می‌چسبند و از این نظر شبیه وند عمل می‌کنند. این ویژگی سبب می‌شود که آنها را مانند واژه‌ها و به عبارتی شبیه وندهای تصریفی تلقی کنیم (اسپنسر، ۱۹۹۱: ۳۵۰). این تکواژهای وابسته در عین حال، در ساختمان گروه‌های نحوی و جمله شرکت می‌کنند. تاکنون مطالعات زیادی در مورد واژه‌بست‌ها در زبان‌های مختلف و از جمله زبان فارسی انجام شده است. در مقاله حاضر قصد بر آن است تا از طریق مطالعه‌ای پیکره بنیاد، داده‌هایی از زبان فارسی به محک آزمون گذاشته و پژوهشی در زبان شعر انجام شود. چرا که بررسی واژه‌بست در زبان شعر تاکنون انجام نشده و از تنوع و تازگی برخوردار است. همچنین، حوزه وسیع پیکره پژوهش نیز به اعتبار نتایج برگرفته از تحقیق می‌تواند بیافزاید. به همین روی، از میان شاعران ایرانی، آثار پروین اعتصامی انتخاب شد زیرا با توجه به گستردگی دیوان اشعار و تنوع گونه‌های شعری وی، پیکره‌ای مناسب برای انجام پژوهش فراهم خواهد شد. محتوای اشعار پروین اعتصامی بیشتر در قالب مضامین اجتماعی است و او اشعارش را با دیدی غالباً انتقادی سروده است. درون مایه اشعار او بیشتر غنیمت داشتن وقت و فرصت‌ها، نصیحت‌های اخلاقی، انتقاد از ظلم و ستم به مظلومان و ضعیفان و ناپایداری دنیا است و تلخی پدیده‌های زندگی اجتماعی انسان، دردها و ناکامی‌ها در اشعار او بازتابی روشن دارد. او شاعری است مردم دوست و سرشار از همدردی نسبت به انسان‌هایی که به نحوی از بی‌عدالتی‌ها و ناروایی‌ها رنج برده‌اند.

این مقاله کوششی است برای یافتن پاسخ به این پرسش‌ها که واژه‌بست‌ها در دیوان اشعار پروین چگونه قابل بازنمایی است؟ کدام یک از انواع واژه بست را می‌توان در اشعار یافت؟ و کدام یک از این انواع در زبان شاعر می‌تواند کاربرد بیشتری داشته باشد؟ به همین منظور، پیکره‌ای از داده‌هایی مشتمل بر شعرهای ذیل از دیوان پروین اعتصامی به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری و سپس تحلیل شد. شعر «بهای نیکی» (از قصیده‌ها، شامل ۱۷ بیت)، «کوته نظر» (از قطعه‌ها، شامل ۱۳ بیت)، «بی روی دوست» (از غزل‌ها، شامل ۱۰ بیت)، «بی آرزو» (از مثنوی‌ها، شامل ۲۱ بیت) و «نغمه صبح» (از مسمط‌ها، شامل ۵۵ بیت) که در مجموع ۱۱۶ بیت را به خود اختصاص داده‌اند.

۲- واژه‌بست و مطالعات پیشین آن

دستوربان در مطالعات نیمه دوم قرن بیستم با تکواژهای وابسته‌ای مواجه شدند که ضمن ایفای نقش دستوری در طبقه وندها قرار نمی‌گرفتند. این تکواژهای وابسته دستوری در ساختن واژه یا صورت کلمه دخالتی نداشتند. بلکه در حوزه نحو یعنی ساختمان گروه‌های نحوی و جمله شرکت می‌کردند. از طرفی همچون تکواژهای آزاد واژگانی و دستوری یا واژه‌ها تابع قواعد نحوی بودند و از طرفی به سبب واژه بودنشان شبیه وندها عمل می‌کردند. یعنی به خودی خود در ساخت جملات به کار نمی‌رفتند و به اجبار به پایه‌ای متصل می‌شدند و از این نظر مانند وند عمل می‌کردند. برای نمونه «-ی» نکره و ضمائر پیوسته (متصل) در ساختمان گروه اسمی شرکت می‌کنند و نقش دستوری بر عهده دارند. این عناصر را

نمی‌توان وند تلقی کرد. زیرا وندها جزئی از ساختمان واژه محسوب می‌شوند و نمی‌توان به قرینه آنها را حذف کرد (شقاقی، ۱۳۸۹: ۷۴).

زوئیکی^۱ (۱۹۷۷) بیان می‌کند که واژه‌بست‌ها دارای برخی از ویژگی‌های واژه‌های مستقل‌اند. اما معمولاً استقلال یک واژه را ندارند. به ویژه این عناصر نمی‌توانند به طور مستقل ظاهر شوند و حتماً نیاز به میزبان دارند. به باور وی واژه و وند از نظر نحوی، ساختواژی، معناشناسی و واج‌شناسی با هم در تقابل‌اند. واژه‌ها دارای مقوله نحوی خاصی‌اند، بالقوه قادرند هسته یک گروه واقع شوند و توصیف‌گرها به آنها افزوده شود. واژه‌ها، تکواژهای واژگانی و دارای تکیه مستقل‌اند. اما وندها مقوله نحوی ندارند. هسته گروه قرار نمی‌گیرند. معنای آنها مبتنی بر روابط نحوی است. وندها فاقد تکیه‌اند و صورت آوایی آنها متأثر از پایه آنها است. وی طبقه بندی سه‌گانه‌ای را از واژه بست ارائه می‌کند یعنی واژه‌بست‌های ساده، ویژه و واژه‌های وابسته. در طبقه‌بندی زوئیکی تکواژ وابسته‌ای که صورت کامل دارد و رابطه آوایی دو صورت وابسته و کامل، شفاف است و آن دو صورت از توزیع همسان و منطبق بر یکدیگر برخوردارند «واژه بست ساده» قلمداد شده است. در صورتی که تکواژ وابسته، شفاف نباشد، و یا توزیع آن دو کاملاً منطبق بر یکدیگر نبوده و در بعضی جایگاه‌ها در توزیع تکمیلی با یکدیگر باشند «واژه بست ویژه» نامیده شده است.

واژه‌بست‌ها در انتخاب میزبان خود چندان محدودیتی ندارند و گزینشی عمل نمی‌کنند به عبارت دیگر حوزه وسیع و متنوعی از میزبان‌ها را داشته‌باشند. اما وندها این گونه نیستند و برای گزینش ستاک خود محدودیت دارند. یعنی به هر ستاکی اضافه نمی‌شوند (اسپنسر، ۱۹۹۱: ۳۵۷).

اندرسون (۱۹۹۲) واژه‌بست‌های ویژه را وند گروهی می‌داند و آنها را به دو گروه اشتقاقی و تصریفی طبقه بندی می‌کند. او معتقد است که افعال کمکی، نشانه‌های زمان دستوری، ضمائر، نشانه‌های مالکیت و وابسته‌های اسمی را می‌توان نمونه‌هایی از واژه‌بست‌های تصریفی در نظر گرفت. واژه‌بست‌ها در یک دسته بندی دیگر از منظر محل اتصالشان به دو گروه پی بست و پیش بست تقسیم می‌شوند (هسپلمت^۲، ۲۰۰۲).

به عقیده کلاوانس^۳ (۱۹۸۲) نیز واژه بست‌ها ویژگی نحوی واژه‌ها و ویژگی آوایی وندها را دارا هستند. شقاقی (۱۳۷۲) به توصیف و طبقه‌بندی واژه‌بست‌ها بر اساس اصول و قواعد نحوی حاکم بر آنها در چهارچوب نظریه حاکمیت و وابستگی چامسکی پرداخته است. هدف از این کار روشن ساختن جایگاه و وضعیت واژه‌بست‌ها در مقایسه با دیگر عناصر آزاد و وابسته زبان و نحوه عملکرد قواعد نحوی بر آنها است. زبان مورد مطالعه وی فارسی محاوره‌ای است که در گفتار روزمره و عادی مردم تهران به کار برده می‌شود. در این بررسی واژه بست تکواژ وابسته‌ای است فاقد تکیه که به تنهایی در ساخت به کار نمی‌رود. اما با دیگر عناصر وابسته مربوط به حوزه صرف اشتقاقی و صرف تصریفی تفاوت دارد و به حوزه

^۱ - Zwicky

^۲ - Haspelmath, M.

^۳ - Klavans

نحو مربوط می‌شود. یعنی قواعد نحوی در توزیع و کاربرد آن دخالت دارند. از دیدگاه او واژه بست به انواع ساده و ویژه تقسیم می‌شود.

مفیدی (۱۳۸۶) رفتار واژه بست‌های ضمیری در زبان فارسی میانه و نو و همچنین تحول جایگاه ظهور این عناصر در جمله مورد بررسی قرار داده است. به باور او این عناصر، در فارسی میانه، از نظام واژه بست جایگاه دوم تبعیت می‌کنند و همواره در جایگاه شماره دو در جمله/بند ظاهر می‌شوند. در فارسی نو قدیم، ضمن حفظ نظام واژه بستی مذکور (همراه با تغییراتی از جمله حذف ناپیوستگی سازه‌ای و همچنین نادیده گرفتن بعضی سازه‌ها در تعیین جایگاه شماره دو)، شکل‌گیری نظام واژه بستی فعلی مشاهده می‌شود. در واقع، واژه بست‌ها از جایگاه شماره دو به سمت فعل حرکت می‌کنند و جذب آن می‌شوند، یا به سازه‌ای در مجاورت آن متصل می‌شوند. در فارسی نو معاصر، هیچ نشانه‌ای از نظام واژه بستی جایگاه دوم مشاهده نمی‌شود و همه واژه بست‌ها از نظام فعلی تبعیت می‌کنند.

نغزگوی کهن (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «از واژه بست تا وند تصریفی: بررسی تحول تاریخی بعضی واژه بست‌های فارسی جدید» به بررسی و مطالعه تاریخی واژه بست‌ها پرداخته است. شریفی (۱۳۹۰) در بررسی گویش کاخکی نشان می‌دهد که از نکات جالب ساختواری در این گویش اضافه شدن ضمائر واژه‌بستی فاعلی به ضمائر شخصی مستقل و ضمائر شخصی واژه بستی با نقش‌های متفاوت است. ضمائر واژه بستی در این گویش به حروف اضافه نمی‌چسبند و از این نظر با فارسی محاوره‌ای امروز متفاوت‌اند. راسخ مهند (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به بررسی واژه‌بست‌های فارسی در کنار فعل پرداخته است. او دو نقش متفاوت واژه بست‌های ضمیری فارسی را نشان می‌دهد. واژه‌بست‌هایی که به نشانه مطابقت تبدیل شده‌اند و آنهایی که به نشانه مطابقت تبدیل نشده‌اند و گروه اسمی مفعول و هم مرجع با آنها نقش مبتدا دارد.

صراحی و علی نژاد (۱۳۹۲) به بررسی رده شناختی واژه بست در زبان فارسی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که می‌توان الگوی رده شناختی «آیخن والد» را به عنوان ابزاری علمی و مناسب برای تشخیص و مطالعه واژه بست به کار گرفت. بی‌جن خان و ابوالحسنی زاده (۱۳۹۰) معتقدند ویژگی‌های آوایی و الگوی تکیه زیروبمی در گروه واژه بست و کلمه واجی نشان می‌دهد که گروه واژه بست با کلمه واجی متفاوت است. الگوی تکیه زیروبمی H^* بر روی هجای آخر کلمه واجی و در گروه واژه بست، بر روی هجاهای قبل از واژه بست قرار می‌گیرد؛ بنابراین، از نظر نوایی واژه بست مستقل از کلمه واجی است؛ همچنین هیچ نشانه‌ای از نواخت کناری خیزان H^- بعد از گروه‌های تکیه‌ای غیرپایانی یا غیرهسته دیده نمی‌شود؛ بلکه نواخت کناری از نوع L^- است و افزایش میزان FO بر روی واژه بست، پدیده دیرکرد قله هجا نام دارد.

تالمین (۲۰۱۷) به مطالعه واژه بست در زبان چاکوبو پرداخته است. وی داده‌ها را ظرف پنج سال گردآوری و بررسی کرده و معتقد است که واژه بست‌ها در این زبان بیشتر به شکل ساده و پی بستی دیده می‌شوند. پی بستی‌های فعلی و قیدی به صورت تکواژهای وابسته و عبارات پسوند دار نمود پیدا می‌

کنند. او نشان می‌دهد که کاربرد واژه بست در این زبان به دنبال یک ساختار نحوی خاص و یک ساختار واژه غنی اتفاق می‌افتد.

۳- واژه بست در دیوان اشعار

در ذیل، واژه بست را در گونه‌های متفاوت اشعار از نظر می‌گذرانیم.

۳-۱- واژه بست در مسمطها

«نغمه صبح» شعری زیبا از مسمطهای پروین اعتصامی است. این شعر نسبتاً طولانی است و در ابیات آن واژه‌بست‌های ذیل به کار رفته است:

تا چند کناره می‌گزینی	همسایه باغ و بوستان باش
تا چند ملول می‌نشینی	چون چهره صبح شادمان باش
تا چند نژندیو حزین	هم صحبت مرغ صبح خوان باش
در وقت حصار و خوشه چینی	چالاک و دلیر و کاردان باش

کسره اضافه واژه‌بستی است که متخصصان صرف زبان فارسی آن را جزو واژه‌بست‌ها دانسته و معرفی کرده‌اند. در این نمونه ابیات در اولین بیت و با اولین واژه (همسایه) واژه بست کسره اضافه قابل شناسایی است. این واژه‌بست به انتهای واژه همسایه اضافه شده و تکواژی وابسته محسوب می‌شود. این نوع واژه‌بست از دیدگاه زوئیکی (۱۹۹۷) جزو واژه‌بست‌های ویژه و از نوع وابسته به شمار می‌آید. کسره اضافه در زبان فارسی (گفتاری و نوشتاری) پرکاربرد است. در این شعر نیز این کاربرد رایج را می‌توان در همه ابیات و مصرع‌ها مشخص و تبیین نمود. مثال‌های فوق نمونه‌ای است از کاربرد بالای این واژه بست در شعر «نغمه صبح» که پس از بررسی کل شعر بسامد رخداد آن به ۵۷ مورد رسید. این واژه بست بالاترین بسامد وقوع را در کل شعر مورد نظر به خود اختصاص داده و به لحاظ آماری بیشترین کاربرد را دارا است. دومین واژه‌بست موجود در نمونه ابیات فوق در مصرع اول بیت اول مشاهده می‌شود که در حقیقت صورت پی‌بستی «^۱» به جای حرف همپایگی یا واو عطف است که هرچند به رسم نوشتار به شکل «و» نوشته شده است اما در خوانش شعری ضرورتاً به شکل واژه‌بست و به صورت «^۲» خوانش می‌شود. به عبارت دیگر تکواژ وابسته‌ای است که به واژه باغ می‌چسبد و در انتهای آن ظاهر می‌شود. آن را نمی‌توان وند محسوب کرد بدان سبب که در واژه سازی واژه باغ شرکت نمی‌کند. اما دارای نقش نحوی است. این نوع واژه بست در ابیات دوم و سوم نیز آمده و قابل ملاحظه است. این واژه بست ساده محسوب می‌شود و در شعر حاضر ۲۷ مورد بسامد وقوع دارد و به لحاظ میزان کاربرد پس از کسره اضافه در مرتبه دوم قرار گرفته است. در این شعر چهار نوع واژه بست به کار رفته که دو دیگر واژه‌بست‌های ضمیر ملکی و «-ی» نکره هستند (این واژه‌بست‌ها در صفحات آتی در نمونه اشعار دیگر بررسی خواهند

شد). مجموع واژه‌بست‌های به کار رفته در شعر حاضر ۸۷ مورد است. این تعداد از ۵۲ بیت استخراج شده‌اند. گفتنی است در سه بیت از این شعر هیچ گونه واژه بستی دیده نشد.

۳-۲- واژه‌بست در مثنوی‌ها

یکی از مثنوی‌های پروین اعتصامی شعر «بی آرزو» است. او در یکی از ابیات این شعر می‌گوید:

چراغی، موزه‌ای، فرشِی، قبابی
برای خود مهیا کن سرائی

همان طور که مشخص گردیده است، بیت فوق دارای پنج «ی» نکره است که همگی واژه‌بست محسوب می‌شوند. چرا که در واژه سازی شرکت ندارند. بلکه فقط به واژه قبل از خود متصل شده و وابسته هستند. مطابق طبقه‌بندی واژه‌بست در فارسی، «ی» نکره واژه بست است. همچنین طبق دیدگاه زوئیکی این واژه بست در شمار واژه‌بست‌های ویژه و از نوع وابسته قرار می‌گیرد. او در ادامه می‌گوید:

چو شد هر گنج را ماری نگهدار
نه این گنجه می‌خواهم نه آن مار

در بیت فوق نیز «ی» نکره در واژه ماری دیده می‌شود که واژه‌بست است. پس از تحلیل ابیات این شعر، مشخص گردید که تنها یک بیت بدون واژه بست و ۲۰ بیت دیگر دارای واژه‌بست هستند. شامل کسره اضافه ۱۴ مورد، «ی» نکره ۲۱ مورد، ضمائر پی بستی (ملکی و مفعولی) به ترتیب ۱ و ۲ مورد و فعل بودن در زمان حال ساده ۱ مورد. البته انواع ضمائر و افعال پی بستی در ادامه معرفی و تحلیل خواهند شد. در این شعر به طور کلی ۴۹ واژه بست مشاهده گردید که از میان آنها «ی» نکره بیشترین میزان کاربرد را به خود اختصاص داده است.

۳-۳- واژه‌بست در غزل‌ها

«بی روی دوست» غزلی نسبتاً کوتاه است که صرفاً دارای ۱۰ بیت است. در این شعر نیز انواع واژه بست تحلیل شده است. شعر با این بیت آغاز می‌شود:

بی روی دوست، دوش شبِ ما سحر نداشت
سوز و گدازِ شمع و من و دل اثر نداشت

همان طور که ملاحظه می‌شود در مصرع اول ۲ واژه بست کسره اضافه وجود دارد و در مصرع دوم ۳ واژه بست «ُ» صورت پی بستی و او عطف را می‌توان باز شناخت. شاعر در ادامه می‌گوید:

خرمن نکرده توده کسی موسمِ درو در مزرعی که وقتِ عمل برزگر نداشت

واژه بست‌های کسره اضافه را در مصرع اول و دوم و واژه بست «-ی» نکره را در مصرع اول مشاهده می‌کنیم. اما در مصرع دوم نوع دیگری از واژه‌بست دیده می‌شود که مطابق طبقه‌بندی واژه-بست‌های فارسی آن را «-ی» تخصیص نکره می‌نامیم. در مزرعی (که وقت عمل برزگر نداشت) عبارت داخل پرانتز توصیف و توضیحی برای مزرع است و می‌توان آن را موصولی دانست و «-ی» تخصیص نکره محسوب کرد. این نوع واژه بست نیز، واژه بست ویژه و از نوع وابسته به شمار می‌آید. به لحاظ آماری، کسره اضافه ۱۶ مورد، صورت پی بست‌ی واو عطف ۹ مورد، «-ی» نکره ۲ مورد و «-ی» تخصیص نکره ۱ مورد در این شعر به کار رفته‌اند.

۳-۴- واژه‌بست در قطعه‌ها

شعر کوتاه نظر یکی از قطعه‌های پروین اعتصامی است. شاعر در میانه‌های شعر می‌گوید:

من به پای تو فکندم دل و جان روزم از روز تو صد ره بدتر است

در این بیت ۴ واژه بست دیده می‌شود. اولی کسره اضافه، دومی صورت پی بست‌ی «[ُ]» به جای واو عطف یا حرف همپایگی است. اما سومین واژه بست، واژه بست‌ی از ضمائر پی بست‌ی است. «م» که به واژه روز چسبیده ضمیر پی بست‌ی متصل یا ضمیر پیوسته ملکی نامیده می‌شود. در بیت بعدی داریم:

پر خود سوختم و دم نزدم گرچه پیرایه پروانه پر است

در این بیت نیز واژه بست اول و سوم کسره اضافه و واژه بست میانی صورت پی بست‌ی «[ُ]» به جای واو عطف است. پروین در ادامه می‌گوید:

سوی مرگ، از تو بسی پیشترم هر نفس، آتش من بیشتر است

واژه بست اول کسره اضافه است. واژه بست دوم با استناد به طبقه‌بندی واژه بست در فارسی، جزو افعال پی بست‌ی است. صورت‌های پی بست‌ی فعل بودن در زمان حال که واژه بست محسوب می‌شوند. در اینجا «م» صورت پی بست‌ی «هستم» است که فعل بودن در زمان حال را نشان می‌دهد و بر این اساس واژه بست تلقی می‌گردد. واژه سوم این بیت نیز کسره اضافه است. شاعر در بیت آخر شعر می‌گوید:

خویشتن دیدن و از خود گفتن صفت مردم کوتاه نظر است

در این بیت اولی صورت پی بستى «[ُ]» به جای واو عطف یا حرف همپایگی و واژه بست های دوم و سوم کسره اضافه هستند. این شعر مجموعاً ۳۲ واژه بست دارد. کسره اضافه ۱۷ مورد، صورت پی بستى «[ُ]» به جای واو عطف ۸ مورد، «ی» نکره ۱ مورد، ضمیر پی بستى ملکی ۴ مورد و فعل پی بستى بودن در زمان حال ۲ مورد به کار رفته است. همچنین تمام ابیات این شعر دارای واژه بست بوده و بیت بدون واژه بست مشاهده نشده است.

۳-۵- واژه‌بست در قصیده‌ها

در اینجا برخی از ابیات قصیده بهای نیکی را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم. در این شعر ۱۷ بیتی نیز فقط یک بیت بدون واژه بست است. شاعر در بیت ذیل می‌گوید:

یکی خندید و گفت این درهم خرد نمی‌ارزید این بیت و شرا را

واژه بست اول «ی» نکره، واژه بست دوم صورت پی بستى «[ُ]» به جای واو عطف، واژه بست سوم کسره اضافه و چهارم نیز صورت پی بستى «[ُ]» به جای واو عطف است که این نمونه‌ها را در اشعار قبلی هم مشاهده کردیم. در بیت دیگر داریم:

از آن بازوت را دادند نیرو که گیری دست، هر بی دست و پا را

در مصرع اول ضمیر پی بستى ملکی و در مصرع دوم صورت پی بستى «[ُ]» را می‌بینیم. اما در بیت دیگر:

از آن معنی پزشکی کرد گردون که شناسی ز هم درد و دوا را

اولین واژه بست بیت فوق ضمیر پی بستى مفعولی است (تو را پزشکی کرد) که «ت» در نقش مفعولی است و ضمائر پی بستى مفعولی با استناد به طبقه بندی زوئیکی (۱۹۷۷) در شمار واژه بست‌های ویژه و از نوع کامل محسوب می‌شوند. در شعر «بهای نیکی» ۳۹ واژه بست مشاهده می‌شود. کسره اضافه با ۱۸ مورد کاربرد، بیشترین میزان کاربرد و ضمیر پی بستى ملکی با ۱ مورد کاربرد کمترین میزان را دارا است. در این میان «ی» نکره ۳ مورد، ضمیر پی بستى «[ُ]» به جای واو عطف، ۱۳ مورد، ضمیر پی بستى مفعولی ۲ مورد و فعل پی بستى بودن در زمان حال نیز ۲ مورد کاربرد داشته است. جدول ۱- گونه‌های متفاوت واژه بست و میزان کاربرد آن را به تفکیک هر شعر و جدول ۲- طبقه‌های واژه بست را در کل پیکره نشان می‌دهد.

نغمه صبح: مسمط	بی آرزو: مثنوی	بی روی دوست: غزل	کوته نظر: قطعه	بهای نیکی: قصیده
کسره اضافه: ۵۷	کسره اضافه: ۱۴	کسره اضافه: ۲	کسره اضافه: ۱۷	کسره اضافه: ۱۸
واو عطف: ۲۷	واو عطف: ۱۰	واو عطف: ۹	واو عطف: ۸	واو عطف: ۱۳
ضمیر ملکی: ۳	ضمیر ملکی: ۱	سی نکره: ۲	ضمیر ملکی: ۴	ضمیر ملکی: ۱
واژه بست: ۸۷	سی نکره: ۲۱	سی تخصیص نکره: ۱	سی نکره: ۱	سی نکره: ۳
تعداد ابیات: ۵۵	ضمیر مفعولی: ۲	واژه بست: ۲۷	صورت های فعل بودن: ۲	ضمیر مفعولی: ۲
بیت بدون واژه بست: ۳	صورت های فعل بودن: ۱	تعداد ابیات: ۱۰	واژه بست: ۳۲	صورت های فعل بودن: ۲
بیت دارای واژه بست: ۵۲	واژه بست: ۴۹	بیت بدون واژه بست: ۰	تعداد ابیات: ۱۳	واژه بست: ۳۹
	تعداد ابیات: ۲۱	بیت دارای واژه بست: ۱۰	بیت بدون واژه بست: ۰	تعداد ابیات: ۱۷
	بیت بدون واژه بست: ۱		بیت بدون واژه بست: ۱	
	بیت دارای واژه بست: ۲۰		بیت دارای واژه بست: ۱۶	

جدول ۱- گونه‌های متفاوت واژه بست و میزان کاربرد آنها به تفکیک هر شعر

درصد	تعداد	صورت پی بستنی «م» به جای «هم»		واژه بست های ساده	واژه بست های ویژه
۰٪	۰				
۰٪	۰	صورت پی بستنی «و» به جای «را»			
۳۹/۱۳٪	۶۷	صورت صورت پی بستنی «ر» به جای حرف همپایگی / واو عطف			
۱۱/۳۰٪	۲۷	ی نکره		وابسته	
۰/۰۰۴٪	۱	ی تخصیص نکره (موصولی)			
۵۲٪	۱۲۲	کسره اضافه «ِ»			
۰٪	۰	نشانه معرفه ساز «ِ» ، ؤ			
۰٪	۰	«ها» تأکید			
۰٪	۰	الف ندا		کامل	
۰/۳٪	۹	ضمایر پیوسته ملکی	ضمایر پی بستنی		
۰/۰۱٪	۵	ضمایر پیوسته مفعولی			
۰/۰۲٪	۵	افعال پی بستنی			
۱۰۰٪	۲۳۱	مجموع واژه بست ها			
۱۰۰٪	۱۱۶	مجموع ابیات			

جدول ۲- طبقه‌بندی واژه‌بست‌ها و میزان کاربرد آنها در کل پیکره

۴- نتیجه گیری

در این مقاله واژه بست در زبان شعر بررسی و نشان داده شد که در اشعار زبان فارسی می‌توان مقوله واژه‌بست را به خوبی تبیین و مشخص نمود و مطابق طبقه‌بندی رایج، غالب گونه‌های آن را در اشعار

بازشناخت. دیوان اشعار پروین اعتصامی نمونه‌ای مناسب برای بررسی اشعار زبان فارسی است. در اشعار بررسی شده، بیشترین نوع کاربردی واژه بست‌ها، مربوط به کسره اضافه و کمترین نوع کاربردی مربوط به «ی» تخصیص نکره است. در گفتار انتظار کاربرد همه انواع واژه بست را داریم. در حالی که در اشعار بررسی شده برخی از گونه‌های واژه بست را مشاهده نکردیم. نتایج حاکی از آن است که هر دو نوع واژه-بست ساده و ویژه در اشعار کاربرد داشته‌اند. اما از واژه بست‌های ساده فقط صورت پی بستی «[ُ]» به جای واو عطف استفاده شده در حالی که صورت پی بستی «[ُ]» به جای را و صورت پی بستی «^م» به جای هم در هیچیک از اشعار (درکل پیکره) کاربرد نداشته است. می‌توان گفت این یکی از تفاوت‌های زبان شعر با زبان گفتاری یا زبان محاوره است. از میان واژه بست‌های ویژه نیز سه نوع واژه‌بست نشانه معرفه، «ها» تأکید و الف ندا در پیکره مورد بررسی مشاهده و شناسایی نشد. نشانه معرفه و «ها» تأکید غالباً در محاوره کاربرد دارند. انتظار داشتیم الف ندا را در زبان شعر بیابیم. اما در اشعار در هیچ یک از انواع مسمط‌ها، مثنوی‌ها، غزل‌ها، قطعه‌ها و قصیده‌ها-ها بر خلاف انتظار، الف ندا را نیافتیم. به نظر می‌آید این امر به خاطر ویژگی‌های فردی شاعر است که منادا را بسیار به ندرت به کار می‌برد و اگر هم به کار می‌برد از صورت الف ندا به شکل واژه بست استفاده نمی‌کند. این در حالی است که دیگر شعرا مثلاً حافظ و سعدی الف ندا و کلاً منادا را زیاد به کار برده‌اند. به هر حال، این نکته به نوعی معرف سبک شعری شاعر یاد شده است و نشان می‌دهد که تمایلات هر شاعر برای خلق ساختارهای زبانی، یکسان نیست.

منابع

- بی جن خان، محمود و ابوالحسنی زاده، وحیده (۱۳۹۰). «دیرکرد قله هجا در ساخت نوایی واژه‌بست‌های زبان فارسی»، مجله علمی-پژوهشی زبان پژوهی، دوره سوم، شماره پنجم، صص ۶۹-۵۱.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۹). «واژه‌بست‌های فارسی در کنار فعل»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال دوم، شماره دوم، صص ۸۵-۷۵.
- شقایق، ویدا (۱۳۷۲). بررسی واژه بست در فارسی، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۹). مبانی صرف، تهران: انتشارات سمت.
- شریفی، شهلا (۱۳۹۰). «بررسی برخی نکات ساختوازی در مورد واژه‌بست‌های ضمیری در گویش کاخکی»، مجله علمی-پژوهشی گویش‌های خراسان، سال سوم، شماره دوم، صص ۱۵-۱.
- صراحی، محمد امین و علی نژاد، بتول (۱۳۹۲). «رده شناسی واژه‌بست در زبان فارسی» مجله علمی-پژوهشی گویش‌های خراسان، شماره دوم، صص ۱۳۰-۱۰۳.
- مفیدی، روح الله (۱۳۸۶). «تحول نظام واژه‌بستی در فارسی میانه و نو» ویژه نامه فرهنگستان، (دستور)، شماره سوم، صص ۱۵۲-۱۳۳.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۹). «از واژه بست تا وند تصریفی: بررسی تحول تاریخی بعضی واژه بست‌های فارسی جدید» ویژه نامه فرهنگستان (دستور)، شماره ششم، صص ۹۹-۷۷.

- Anderson, S. (1992). *A-Morphous Morphology*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Haspelmath, M. (2002). *Understanding Morphology*, London, Arnold.
- Klavans, J. L. (1982). *Some Problems in a Theory of Clitics*, Bloomington: Indian University Linguistics Club.
- Spencer, A. (1991). *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure in Generative Grammar*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tallman, A. J. R. (2017). "There Are No Special Clitics in Chacobo (Pano)", Conference: Workshop on the Structure and Constituency of the Languages of the Americas, University of Texas at Austin.
- Zwicky, A. M. (1977). *On Clitics*, Bloomington: Indian University Linguistics Club.

سید ارف
